

مدیریت کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز

پایان نامه تمصیلی در قالب طرح پژوهشی

(فرم گردش کار)

نام و نام خانوادگی استاد راهنما (مجری طرح): دکتر رضا خجسته مهر

مرتبۀ علمی: استاد گروه: مشاوره دانشکده: علوم تربیتی و روان شناسی

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه حاجی حسینی شماره دانشجویی: 9688901 گرایش تحصیلی مشاوره خانواده

مقطع تحصیلی: دکتری

کارشناسی ارشد

عنوان پیشنهادی پایان نامه (موضوع طرح پژوهشی): مقایسه زنان شاغل و غیرشاغل در رضایت زناشویی با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف.

ماهیت پایان نامه: نظری عملی کاربردی - عملی کاربردی - نظری

جمع هزینه های پیشنهادی اجرای طرح ریال

مدیر محترم گروه:

خواهشمند است فرم پیشنهادی پایان نامه ضمیمه (فرم ب) را در قالب طرح پژوهشی بررسی و نتیجه را اعلام فرمایند.

امضاء استاد: امضاء دانشجو: تاریخ:

معاون محترم پژوهشی - تحصیلات تکمیلی دانشکده:

احتراماً، بدینوسیله به اطلاع می رساند طرح پژوهشی فوق در شورای تحصیلات تکمیلی گروه مورخ مطرح و نتیجه بحث و بررسی به صورت ذیل جهت اقدامات بعدی اعلام شد.

مورد تصویب قرار گرفت با اصلاحات به عمل آمده تصویب شد.

ضمناً ماهیت این پایان نامه است و هزینه اجرای طرح ریال پیشنهاد می شود.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: تاریخ: امضاء

مدیریت محترم تحصیلات تکمیلی دانشگاه

طرح پیشنهادی فوق در جلسه مورخ شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده.....

مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایند تا اقدامات بعدی صورت گیرد.

ضمناً ماهیت این طرح..... و هزینه اجرای آن ریال اعلام شد.

نام و نام خانوادگی معاون پژوهشی - تحصیلات تکمیلی دانشکده: تاریخ: امضاء

طرح پژوهشی فوق در قالب پایان نامه تحصیلی در جلسه مورخ شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه به تصویب نهایی رسید و همراه

با کلیه ضمیمه (در صفحه) جهت ابلاغ به استاد راهنمای دانشجو و انعقاد قرارداد برای معاونت محترم پژوهشی دانشگاه ارسال شد.

ماهیت طرح..... و هزینه اجرای آن ریال تصویب گردید.

نام و نام خانوادگی مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه: تاریخ: امضاء

مدیریت کل تمصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز
فره پیشنهادی پایان نامه تمصیلی کارشناسی ارشد و دکتری
(در قالب طرح پژوهشی)

مرتبه علمی: استاد

گروه آموزشی: مشاوره

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: دکتر رضا خجسته مهر

رشته تخصصی: روان شناسی خانواده

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه حاجی حسینی

دانشکده: علوم تربیتی

گرایش تحصیلی: مشاوره خانواده

شماره دانشجویی: 9688901

مقطع تحصیلی: دکتری کارشناسی ارشد

الف: - اطلاعات مربوط به پایان نامه پیشنهادی: *

عنوان پایان نامه (به فارسی و انگلیسی):

فارسی: مقایسه زنان شاغل و غیرشاغل در رضایت زناشویی با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف .

انگلیسی:

Comparison of employed and unemployed women in marital satisfaction with respect to
controlling role of social support and perception of equity

تعریف مسأله، فرضیه ها و اهداف (به طور خیلی خلاصه):

پیوست می باشد.

شرح روش اجرای تحقیق:

پیوست می باشد.

پیشینه موضوع در ایران و جهان با ذکر منابع معتبر:

پیوست می باشد.

- نوع کار تحقیقاتی نظری عملی کاربردی-عملی کاربردی-نظری

مدت اجرا، تاریخ شروع و برنامه زمان بندی پیشرفت کار:

مدت اجرا: تاریخ شروع: تاریخ خاتمه:

* در صورت لزوم جزئیات مربوط به "پایان نامه پیشنهادی" در قالب طرح پژوهشی را به پیوست ارسال فرمایید.

ب- عناوین سایر پایان نامه‌های در دست اجرا:

<u>عنوان</u>	<u>نام دانشجو</u>	<u>مقطع تحصیلی</u>
(1)		
(2)		
(3)		
(4)		
(5)		
(6)		

ج- مشخصات استاد مشاور:

نام و نام خانوادگی: دکتر کیومرث بشلیده	مرتبه علمی: استاد	رشته تخصصی:
روان شناسی		
گروه آموزشی: روان شناسی	دانشکده: علوم تربیتی و روانشناسی	
نشانی: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز		تلفن:
نام و نام خانوادگی:	مرتبه علمی:	رشته تخصصی:
گروه آموزشی:	دانشکده:	
نشانی:	تلفن:	

د- هزینه‌های پیش بینی شده (با ذکر مورد):

1-	جمعاً	ریال
2-	جمعاً	ریال
3-	جمعاً	ریال
4-	جمعاً	ریال
5-	جمعاً	ریال
جمع کل		ریال

نام و نام خانوادگی استاد راهنما (مجری طرح):

امضاء:

تاریخ:

مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل در رضایت زناشویی با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف

مقدمه

ازدواج و روابط زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است و به عنوان یک پدیده اجتماعی از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار بوده و منبع مهمی از امنیت خاطر برای زنان و جایگاهی مهم برای احساس مسئولیت بیشتر برای مردان است (عسگری و ترکاشوند، 1397). در این زمینه رضایت زناشویی¹ به عنوان شاخصی از سلامت روابط زن و شوهر، بیش از همه موضوعات مورد توجه بوده است (فرجی پاک، 1396). رضایتمندی زناشویی وضعیتی است که زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (جمشیدی و نوری پور لیاولی، جان بزرگی و فردین، 1394) و بر اساس درجه ی نزدیکی و امنیت بین شرکا و سطح در دسترس بودن و پاسخگویی به یکدیگر سنجیده می شود (داگلیش² و همکاران، 2015). رضایت زناشویی نقش تعیین کننده در روابط و تعاملات زوجین دارد و سطوح پایین آن به منزله یک عامل خطر جدی برای طلاق در نظر گرفته میشود (بلاچ، هاس و لونسون³، 2014، به نقل از بشارت 1396).

رضایتمندی زناشویی به نوبه ی خود وابسته به عوامل چندی است. یکی از عواملی که در ادبیات مشاوره ی خانواده و ازدواج مورد توجه قرار گرفته، اشتغال زنان⁴ است. تحقیقات انجام شده در طول چند دهه گذشته نشان داده است که تاثیر بالقوه کار بر زندگی روزمره کارکنان در حال گسترش است. تقاضای روزافزون برای کار، رشد سریع درخواست برای دسترسی به کارهای طولانی و افزایش چشمگیر خانوارهایی که زن و مرد هر دو شاغل اند، اما برخی از این تحولات به شیوع تعارض کار خانواده در سراسر جهان کمک کرده اند (پلوت⁵، ایس⁶،

¹ Marital Satisfaction

² Dagleish

³ Bloch., Haase. & Levenson,

⁴ Women's employment

⁵ Pluut

⁶ Ilies

کارشو^۱، لیو^۲، 2018). فرجی پاک (1396) در یک مطالعه فراتحلیل که زنان شاغل عمدتاً معلم بودند با مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل نشان داد که زنان شاغل معلم به طور معناداری از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند.

اشتغال زنان پیامد های مثبت و منفی در پی دارد که هر یک میتواند بر رضایت زناشویی تاثیر بگذارد. برخی تحقیقات به پیامد های مثبت و برخی دیگر به پیامد های منفی آن اشاره می کنند. برای مثال فرجی پاک (1396) بیان می دارد که اشتغال زنان در دستیابی آن ها به کنترل منابع و قدرت تصمیم گیریشان در امور اقتصادی خانواده، نحوه ی تربیت فرزندان، تعداد مولید، تعیین نحوه ی گذراندن اوقات فراغت و افزایش مشارکت سیاسی اجتماعی موثر بوده است. همچنین پیامد های منفی عبارتند از تعارض کار - خانواده^۳ که رستگار خالد (1385) به عنوان یکی از پیامد های منفی اشتغال زنان اشاره می کند. فرجی پاک (1396) در پژوهش خود بیان می کند استرس شغلی^۴ از مولفه های اصلی اشتغال محسوب می شود که می تواند تعارض های جدی در خانواده ایجاد کند. زنانی که در معرض استرس شغلی قرار می گیرند، دچار برخی تغییرات رفتاری و اخلاقی و نیز تعارضات خانوادگی^۵ می شوند. پژوهش کاسک و ازکی^۶ (1998) مبین این موضوع است که استرس شغلی با کاهش رضایت شغلی^۷ و زناشویی همراه است.

با وجود پیامد های منفی گسترده ی اشتغال زنان، باز هم کلیت پژوهش ها نشان می دهند که زنان شاغل رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می کنند. یکی از دلایل این امر احتمالاً حمایت اجتماعی^۸ است که زنان شاغل دریافت می کنند. رابطه منفی بین تعارض نقش و رضایت زناشویی در زنان شاغلی که از حمایت اجتماعی در زمینه خانواده بالاتری برخوردارند کمتر از زنانی است که از حمایت اجتماعی در زمینه خانواده

¹ Curşeu

² Liu

³ Work-family conflict

⁴ Job stress

⁵ Family conflict

⁶ Kossek & Ozeki

⁷ Job Satisfaction

⁸ social support

پایینی برخوردارند. اثرات حمایت اجتماعی فراهم شده در زمان فشار روانی بسیار نیرومند است، چراکه می تواند اثرات فشار روانی را تا حد زیادی جبران کند (دیانا ، 1949، به نقل از آرامی ، 1393).

نظریه انصاف¹ یک مدل کلی برای درک روابط میان فردی ارائه می دهد که تواما بر اساس اصول تقویت و نیز مضمون اقتصادی است. این نظریه، رضایت افراد از یک رابطه را بر حسب ارزیابی ادراک آن ها از توزیع منصفانه یا غیر منصفانه² منابع در طی روابط میان فردی³ بررسی می کند. بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه⁴ بدانیم که زمانی بدست می آید که برای شرکت کنندگان در یک تعامل نتایجی مناسب با درون داد⁵ های آن ها اختصاص یابد. به بیان ساده انصاف آن زمانی در تعاملات بین شخصی شایع است که آن چه یک شخص از تعامل بین فردی بدست می آورد برابر باشد با درون داد هایی که او در تعامل سرمایه گذاری کرده است (اسپرچر ، 1986 ، به نقل از فرامرزی و همکاران ، 1391). براساس این نظریه ها یکی از عواملی که بر کیفیت و بقای رابطه زناشویی تاثیر می گذارد این مسئله است که زوجین انصاف را در رابطه بایکدیگر احساس کنند (فرامرزی و همکاران ، 1391). انصاف یک عامل مهم در روابط سالم است و اهمیت آن در ازدواج به اندازه ای است که در سازگاری زناشویی⁶ و احساس حمایت اجتماعی⁷ در زوجین و تقویت احساس صمیمیت⁸ و کاهش خیانت زناشویی⁹ اثر می گذارد (پری ، 2004). تای و باکستر¹⁰ (2018) در پژوهش خود با عنوان ادراک انصاف و اختلاف نظر در کار های خانه : تجزیه و تحلیل مقایسه ای ، مشاهده کردند که اگر زنان آن چه را که در حال رخ دادن است عادلانه درک کنند ، حتی زمانی که بیشترین کار را در خانه انجام می دهند ، اختلاف نظر بوجود نمی آید اما اگر زنان این تدابیر را غیر منصفانه درک کنند ، اختلاف نظر بوجود می آید. یکی دیگر از نتایج این پژوهش نشان می دهد که ارتباط قوی تری بین ادراک

¹ equity theory

² Fair or unfair distribution

³ Interpersonal relationships

⁴ equilibrium

⁵ inputs

⁶ Marital adjustment

⁷ social support

⁸ Intimacy

⁹ Infidelity

¹⁰ Tai ,& Baxter

انصاف و فراوانی اختلاف نظر در کار خانه زنان نسبت به مردان وجود دارد . زیرا زنان بطور معمول سهم بیشتری از کار خانه را تحمل می کنند ، بنابراین تعجب اور نیست که ادراک زنان نسبت به عدالت فاکتور میانجی قوی تری در میان توافق ها و اختلاف نظر های مربوط به کار خانه است . آن ها همچنین بیان می کنند که : زمینه های قدرت فردی و اجتماعی جنسیت در این همبستگی ها تاثیر می گذارد. برخی از کشورها زمینه اجتماعی و سیاسی را فراهم می آورند تا زنان و مردان که مطابق با ادراک خود ، اقدام کنند، در حالی که برخی دیگر از کشور ها آنها را به پذیرفتن وضعیت موجود تقلیل می دهند، حتی اگر مقررات به طور ناعادلانه صورت پذیرد . به طور خاص، بر اساس یافته های ما در خانوار، رابطه بین عدم انصاف در زنان و عدم توافق در مورد کارهای خانه، از طریق درآمد نسبی تعدیل می شود. در سطح کلان، زنانی که تقسیم کار خانگی خود ناعادلانه درک میکنند، ممکن است به خاطر این که در ساختار اقتصادی، فرصتهای شغلی برابری با مردان نداشته اند ، با ای نوع از تقسیم کار خانگی فعلی خود مخالف نباشند .

در نتیجه یکی از اهداف اصلی تحقیقات درباره روابط بین زوجین، مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعاملات بین زوجین تاثیر میگذارد (چارنیا و آیکس¹، 2007؛ به نقل از افشاری و موتابی 1394). هدف پژوهش حاضر مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل در رضایت زناشویی با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف است.

¹ Charnia & Ickes.

بیان مسئله

خانواده بنیادی ترین شکل اجتماعی و اصلی ترین جزء اجتماع به شمار می آید. اساسا خانواده نه تنها یک سیستم است بلکه به عنوان یک زیر سیستم از جامعه ی انسانی نیز محسوب میشود و عواملی از قبیل رضایت زناشویی، موقعیت اقتصادی، آموزش، نقش جنسی، ارتباطات و تعاملات اعضای آن و مرحله ی چرخه ی زندگی خانواده بر آن تاثیر می گذارد (تمیمیان و طالب زاده شوشتری 1394).

از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزئیات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص، اهمیت آن برای جامعه درحالتی که ازدواج های موفق شکل میگیرد، دست کشیدن از جرم و نیاز به گسترش مداخلات تجربی برای زوجین به منظور جلوگیری یا کم کردن فشار های زناشویی و طلاق می باشد (بوکام ، شوهام ، مویزر ، دایتو و استیکل¹ 1998؛ به نقل از وحیدی 1397). قطعا عواملی چند بر رضایت زناشویی تاثیر می گذارد. بزرگترین بخش از تحقیقاتی که درباره ی تاثیر عوامل محیطی بر ازدواج صورت گرفته به نقش عوامل اقتصادی و عوامل مرتبط با کار بر رضایت زناشویی پرداخته اند (برادبوری و همکاران²، 2000؛ به نقل از وحیدی 1397).

بسیاری از پژوهش هایی که به مطالعه مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل پرداختند، تفاوت معنی داری در رضایت زناشویی این دو گروه مشاهده می کنند. از جمله فرجی پاک (1396) با مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل در یک پژوهش فراتحلیل³ نشان داد که اشتغال زنان در رضایت زناشویی تاثیر مثبت معناداری دارد. با این حال ، نتایج پژوهش ها در این زمینه ناهمگون است. برخی معتقدند که اشتغال زنان باعث افزایش شناخت نسبت به خود که یکی از پایه های عمده ی سلامت روان⁴ است و نیز افزایش منابع میزان احساس رضایت و دریافت پاداش می شود . زنان شاغل بدین وسیله امکان انجام فعالیت های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است پیدا میکنند (بیتی⁵، 1996) و نتایج

¹ Bokam, Shoham, Mozyr, Diето & Stickle

² Bradbury

³ Meta-analysis

⁴ mental health

⁵ Beatty

برخی پژوهش‌ها نیز نشانگر آن است که این دسته از زنان در سلامت عمومی^۱، رضایت از زندگی و اعتماد به نفس^۲ نمرات بالاتر و در ناامیدی^۳، عدم امنیت^۴ و اضطراب^۵ نمرات پایین تری بدست آورده‌اند (ای ورسون و مگوآیر^۶، 2000). یکی از علت‌های تناقض نتایج پژوهش‌ها می‌تواند ضعف روش شناختی پژوهش‌های گذشته باشد؛ به عبارت دیگر پژوهش‌هایی که تا کنون به مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل پرداخته‌اند در نمونه‌گیری خود اغلب از زنان معلم و گاه پرستاران استفاده کرده‌اند، بنابراین در پژوهش‌های خود گروه معرفی از زنان نداشته‌اند. این مسئله از آن جایی نتایج را تحت تاثیر قرار می‌دهد که نوع شغل بر میزان رضایت مندی زنان موثر است ماننده پژوهش نظری و محسن زاده (1395) و ماکیکوهوری^۷ (2017)؛ همچنین پژوهش اقدامی و حسین چاری (1387) که به بررسی تاثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی پرداخت، بیان می‌دارد که دشواری کار زنان شاغل پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی نیست اما همکاری مردان در امور خانه به طور مثبت پیش‌بینی‌کننده رضایت از روابط زناشویی است. بنابراین ما در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این ضعف روش شناختی، به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که آیا با در نظر گرفتن نوع شغل زنان بازم رضایت زناشویی زنان تفاوت می‌کند یا خیر و اینکه آیا رضایت زناشویی زنان با مشاغل مختلف با رضایت زناشویی زنان غیر شاغل تفاوت دارد یا خیر.

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نوع شغل می‌تواند در رضایت مندی زناشویی زنان موثر باشد. به طور مثال موسوی (1385) بیان می‌کند که پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان شاغل بویژه آنان که کارهایی با زمان دگرگون پذیر^۸ (انعطاف پذیر) و نیمه وقت^۹ دارند (خسروی، 1382) به دلیل زمان کار کمتر و هماهنگی بیشتر آن با نقش‌های دیگر از کار خود راضی‌ترند. 47 درصد زنان شاغل در ایران به کار آموزش اشتغال

¹ general health

² Self Confidence

³ Frustration

⁴ unsaifty

⁵ Anxiety

⁶ Iverson & Maguire

⁷ Makiko Hori

⁸ Transformable

⁹ part time

دارند (توسلی، 1382) زیرا اینگونه کارها مزاحمت کمتری برای انجام وظایف همسری و مادری دارد. ساکو¹ (1999) از تحقیقات خود نتیجه گرفت که زنان شاغلی که بطور نیمه وقت کار می کنند از نظر میزان رضامندی زناشویی در سطح بالاتری از زنان خانه دار قرار دارند و در مقابل زنان شاغلی که به طور شیفتی و شب ها مشغول کار هستند نسبت به زنان شاغل دیگر رضامندی زناشویی پایین تری دارند. در پژوهشی که خسروی و خاقانی فرد (1386) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مقابله به شیوه ی جسمانی سازی²، رضایت از زندگی، تعارض نقش³، میزان درآمد⁴، ساعات کار⁵ و حالات هیجانی منفی⁶ تجربه شده در اثر اشتغال عمده ترین عامل اختلال روان شناختی⁷ است. همچنین گروه مدیران و پزشکان در مقایسه با گروه کارشناسان و گروه خدمات، حالات هیجانی مثبت بیشتر و رضایت از زندگی بالاتری را نشان دادند و گروه خدماتی در مقایسه با دو گروه دیگر مشکلات روان شناختی بیشتر و حالات هیجانی منفی تری را تجربه کرده بودند. با استفاده از نظر سنجی اجتماعی شرق آسیا در سال (2006)، مطالعه ی فعلی رابطه ی بین وضعیت اشتغال زنان و رضایت زناشویی آن ها را در چین، ژاپن، کره جنوبی و تایوان مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان می دهد که زنان خانه دار نسبت به زنان شاغل تمام وقت⁸ در تایوان راضی تر هستند، در حالی که زنانی که در چین نیمه وقت مشغول به کار هستند، از زنان مشغول به کار تمام وقت کمتر راضی هستند. رضایت زناشویی همسران با نگرش نقش جنسیتی، شرکت در کارهای خانگی همسر و تعداد اعضای خانواده در ژاپن و کره جنوبی همراه است (ماکیکو هوری⁹، 2017).

پژوهش هایی که در خصوص رابطه ادراک انصاف و رضایت زناشویی صورت گرفته است نیز گویای وجود رابطه میان این دو متغیر در زنان شاغل است. ماننده پژوهش خجسته مهر، فرامرزی و رجبی (1391) که نشان داد ادراک انصاف در روابط زناشویی بر کیفیت زناشویی زنان شاغل اثر مثبت قوی دارد. ادراک انصاف تعادل

¹ sacco

² Confront the way of physicalization

³ Role conflict

⁴ Income

⁵ working hours

⁶ Negative emotional states

⁷ Psychological disorder

⁸ Full-time

⁹ Makiko Hori

بین سرمایه گذاری^۱ در رابطه و پاداش^۲ از رابطه تعریف شده است (اسپرچر^۳، 1986؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1391). یافته های پژوهشی نشان داده اند که نظریه انصاف چارچوب مفیدی برای درک روابط صمیمانه قراردادی مانده ازدواج فراهم میکند (والستر^۴ و همکاران، 1978؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1391). زنان و مردان در رابطه با ادراک انصاف واکنش های متفاوتی نشان می دهند که در این بین زنان حساسیت بیشتری نسبت به آن نشان می دهند (فینی، پیترسون و نولر^۵، 2005؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1391).

در این میان زنان نسبت به اداراک انصاف حساس ترند، و بنابراین موقعیتی که دارند بیشتر متاثر از اداراک انصاف هستند. موسوی (1385) در پژوهش خود می نویسد " پژوهش ها نشان داده است که رضایت زناشویی همبستگی مثبتی با تقسیم کار در خانه و نگهداری از فرزندان دارد (زونوویچ و همکاران، 1996) یافته های این پژوهش نشان می دهد که زنان شاغل از نقش های برابرجویانه رضایت داشتند. مردان در این خانواده ها مسئولیت خانه را منصفانه تر تقسیم می کنند و بدین سان زنان خرسندترند. در واقع ساختار خانواده در این گونه خانواده ها دگرگون شده است و زن و مرد توانایی انجام هر دو نقش را به دست آورده اند و می توانند مسئولیت یکدیگر را به خوبی پوشش دهند و جای خالی یکدیگر را پر کنند. این نشان میدهد که اشتغال تاثیر خوبی بر خانواده دارد و خانواده به سوی تقسیم کار منصفانه در انجام کارهای خانه و هم چنین هم پوشی نقش های زن و مرد پیش رفته است."

کالتران^۶ (2000؛ به نقل از جهانگیر، 1391) برای بررسی و مروری بر تقسیم کار خانگی بیش از دوپست کتاب و مقاله را در این باره جمع آوری و بررسی کرد. یافته های او نشان داد که شوهران به نحو چشم گیری بیش از گذشته به انجام کار های خانه می پردازند. او همچنین چندین عامل موثر دیگر در انجام کار های

¹ investment

² reward

³ Sprecher

⁴ Walster

⁵ Feeney, Peterson & . Noller

⁶ Coltrane

خانگی را بررسی کرد که عبارتند از اشتغال زنان و شوهران، درآمد، نژاد^۱، سن^۲، وضعیت ازدواج^۳ و تحصیلات^۴. با توجه به بررسی های انجام شده در مورد عدالت او به این نتیجه رسید که عدالت ادراک شده در کار های خانه با کیفیت زناشویی مرتبط است. او نتیجه گرفت که زمانی که شوهران به میزان بیشتری در کار های خانه شرکت می کنند، زنان موقعیت را بیشتر عادلانه توصیف می کنند و رضایت زناشویی بالاتری را گزارش می کنند.

یکی دیگر از عواملی که در این پژوهش به بررسی رابطه آن با رضایت زناشویی پرداخته شده است، حمایت اجتماعی می باشد. طبق تعریف، حمایت اجتماعی عبارت است از میزان ادراک فرد از این که مورد توجه و علاقه دیگران بوده، از دیدگاه آنان فردی ارزشمند است و چنانچه دچار مشکل شود به او یاری می رسانند (بیابانگرد، 1383؛ به نقل از آرامی، 1393). دیلی و آندرز^۵ (2005) نشان دادند که حمایت اجتماعی موجب فائق آمدن بر مشکلات زندگی زناشویی می شود و زوجینی که از حمایت اجتماعی برخوردارند رضایت بالاتری دارند. آرامی (1393) به این نتیجه دست یافت که بین حمایت اجتماعی در زمینه خانواده و رضایت زناشویی زنان رابطه مثبت و بین تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد و حمایت اجتماعی در زمینه خانواده تعدیل کننده رابطه بین تعارض نقش و رضایت زناشویی در زنان شاغل است.

ساچت و بارلینگ^۶ (1986) از مطالعه 64 مادر شاغل با میانگین سنی 36 سال مشخص ساختند که حمایت همسر^۷ پیش بینی کننده سطوح بالای رضایت زناشویی است. افزون بر آن، حمایت همسر تعدیل کننده اثرات منفی تعارض بین نقش هاست (نبوی و شهریار، 1391).

برخی دیگر از پژوهش ها نشان می دهد که زنان شاغل افزون بر داشتن نمرات بالاتر در زیرمقیاس های کیفیت زندگی، از شانس بیشتری برای داشتن کیفیت زندگی بالاتر برخوردارند (هاشمی، کیخا و همکاران، 1392).

¹ race

² Age

³ marital status

⁴ education

⁵ Dehle & Landers

⁶ Suchet & Barling

⁷ Wife support

؛ زنجانی و بیات (1389). با اینکه افزایش نقش ها و در نتیجه ی آن افزایش مسئولیت و انتظارات ناشی از اشتغال برای زنان آسیب های روانی و جسمی در پی داشته و به دنبال آن می تواند به کاهش رضایتمندی از زندگی بینجامد اما شواهد بدست آمده از مطالعات مبنی بر بالا بودن کیفیت زندگی شاغلان ، حاکی از آن است که شاید ابعاد دیگر اشتغال مانده نوع شغل (زنجانی و باقیات اصفهانی ، 1392) برخوردار از استقلال مالی، به دست آوردن هویت مستقل اجتماعی و در نتیجه ی آن اعتماد به نفس و حمایت اجتماعی بتواند توجیه کننده بالاتر بودن کیفیت زندگی زنان شاغل نسبت به خانه دار باشد .

هدف اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا گروه های شغلی زنان از نظر رضایت زناشویی متفاوت هستند و این که بین رضایت زناشویی زنان با مشاغل متفاوت و زنان غیر شاغل تفاوت وجود دارد؟ هدف اساسی تر پژوهش حاضر این است که در صورت وجود تفاوت بین رضایت زناشویی زنان با گروه های شغلی متفاوت و زنان غیر شاغل آیا متغیر های حمایت اجتماعی و ادراک انصاف در این خصوص نقش کنترلی دارند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که در ایران تا کنون تحقیقی در مورد مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل با این مشخصات صورت نگرفته، لذا یافته‌های این پژوهش از جند جنبه‌های مهم است که به سه بخش نظری، روش‌شناختی و کاربردی تقسیم می‌شود.

در سطح نظری لزوم پژوهش‌هایی که بتواند علل و عوامل موثر بر رضایت زناشویی زنان را مشخص کند، ضروری است. تحقیقات نشان داده است که اشتغال مادران به تنهایی عامل تعیین‌کننده در تعارض روابط زناشویی و رشد و تربیت کودکان نیست، بلکه آن چه از این حیث مهم است جو خانواده، نگرش‌ها و انتظارات همسر و چگونگی استفاده از اوقات فراغت درامور خانه و خانواده است (احمدی نیا، 1388؛ به نقل از آرامی، 1393). بنابراین مشخص کردن اثر متغیرهای کنترل‌کننده رضایت زناشویی مانده حمایت اجتماعی از نوع خانواده و ادراک انصاف که موثر در دوام و بقای زندگی زوجین هر دو شاغل هستند، ضروری است و زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم می‌سازد.

از سویی دیگر آن چه که ضرورت جنبه روش‌شناسی پژوهش حاضر را توجیه می‌کند استفاده از گروه معرفی از زنان شاغل به عنوان نمونه است که شکاف پژوهش‌های گذشته را جبران می‌کند. تا کنون تحقیقات زیادی در مورد رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل صورت گرفته است اما در پژوهش‌های پیشین صرفاً از گروه معلمان و گاه پرستاران به عنوان نمونه استفاده شده است. حال آن که پژوهش‌ها نشان داده است که ویژگی‌های اساسی شغلی مانده زمان کار انعطاف‌پذیر (موسوی، 1385) می‌تواند بر رضایت زناشویی زنان موثر واقع شود بنابراین ممکن است معلمان به سبب داشتن شغلی با ساعت کاری انعطاف‌پذیر رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان غیر شاغل داشته‌اند. همچنین پیشنهادات پژوهشی مانده پژوهش فرجی پاک (1396)، پژوهشگر را به این سمت هدایت می‌کند که نوع شغل را در میزان رضایت زناشویی مطالعه کند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و نبود پژوهش‌هایی که ملاحظات روش‌شناختی دقیقی داشته باشند پرداختن به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

به لحاظ کاربردی، روان شناسان و مشاوران خانواده می توانند از نتایج مقایسه تفاوت رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف، برای پیشگیری از مشکلات دنیای کار و مشکلات دنیای خانه داری و تعارضات پیش آمده بهره بگیرند و برنامه هایی برای آموزش و افزایش حمایت های اجتماعی و انصاف تدارک ببینند.

اهداف پژوهش

هدف کلی

مقایسه زنان شاغل و غیر شاغل در رضایت زناشویی با توجه به نقش کنترلی حمایت اجتماعی و ادراک انصاف.

اهداف جزئی

1. مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل .
2. مقایسه رضایت زناشویی گروه های مختلف شغلی زنان.
3. مقایسه رضایت زناشویی زنان با مشاغل مختلف و زنان غیر شاغل .
4. مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل با کنترل حمایت اجتماعی
5. مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل با کنترل ادراک انصاف .

سوالات پژوهش

1. آیا رضایت زناشویی زنان شاغل با مشاغل مختلف و زنان غیر شاغل تفاوت دارد ؟
2. آیا رضایت زناشویی گروه های مختلف شغلی زنان تفاوت دارد ؟
3. آیا با کنترل حمایت اجتماعی تفاوتی بین رضایت زناشویی زنان با مشاغل مختلف و زنان غیرشاغل وجود دارد؟

4. آیا با کنترل ادراک انصاف تفاوتی بین رضایت زناشویی زنان با مشاغل مختلف و زنان غیرشاغل وجود دارد؟

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعریف مفهومی رضامندی زناشویی

رضامندی زناشویی به عنوان خشنودی و خرسندی و سازگاری در رابطه ی زوجی (گاگنون و همکاران، 1997؛ به نقل از بشارت و همکاران، 1394) تعریف شده است. هاوکینز¹ (1986؛ به نقل از دهقانپور، 1395) معتقد است که رضایت زناشویی یعنی احساس ذهنی رضایت²، خشنودی³ و لذت⁴ تجربه شده در هریک از زوجین، وقتی جنبه های مختلف زندگی مشترک خود را در نظر می گیرند.

تعریف عملیاتی رضامندی زناشویی

منظور از رضامندی زناشویی در این پژوهش، نمره ای است که فرد از پاسخ به سنجهی 7 سؤالی مقیاس ارزیابی رابطه (RAS)⁵ که توسط هندریک، دایک و هندریک (1998) ساخته شده است، به دست می آورد (خجسته مهر، عباسپور و دانیالی، 1396).

تعریف مفهومی حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی در خانواده عبارتست از مجموع کمک های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی که فرد از منابع عمده حمایت در خانواده برای ایفای همزمان و موازی نقش های شغلی و خانوادگی و کاهش فشار ناشی از آن دریافت می کند. هلر⁶ (1986) نیز این مفهوم را فعالیتی اجتماعی می داند که از طریق آن حرمت ذات فرد در یک رابطه بین شخصی تقویت شده و فرد از طریق کمکهایی که از دیگران، دریافت می کند (عاطفی،

¹ Hawkins

² Satisfaction

³ Pleased

⁴ Pleasure

⁵ Relationship Assessment Scale

⁶ Heler

ابزاری و شناختی) در برابر فشار روانی محافظت می شود (امینه^۱، 1977 ؛ به نقل از نبوی و شهریاری ، 1391).

تعریف عملیاتی حمایت اجتماعی در خانواده

منظور از حمایت اجتماعی نمره ایست که فرد از پاسخ به مقیاس مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS)^۲ بدست می آورد .

تعریف مفهومی ادراک انصاف

انصاف در رابطه زناشویی ادراک این مسئله می باشد که پاداش ها و مطالبات بصورت عادلانه توزیع شده اند (ویلیامز^۳، 2010؛ به نقل از دهقانپور، 1395). اسپرچر (2001؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران ، 1391) انصاف را به عنوان تعادل^۴ میان پیامد ها (پاداش ها و خسارات) و سرمایه گذاری ها تعریف کرده است .

تعریف عملیاتی ادراک انصاف

منظور از ادراک انصاف در این پژوهش نمره ای است که فرد از پاسخ به سنجه ی 4 سوالی ادراک انصاف پری (2004) به دست می آورد (خجسته مهر و همکاران، 1396).

پیشینه پژوهش (مبانی نظری)

الف) رضایت زناشویی

شکی نیست که رضایت زناشویی عامل بسیار مهمی در زندگی است ، در صورت وجود آن در زندگی و خانواده باعث می شود زوجین آرامش را در زندگی ببینند و با آرامش و رضایت آن ها ، فرزندان نیز در خانواده به خوبی تربیت شوند و آثار آن را در جامعه از خود نشان خواهند داد(آرامی و خجسته مهر ، 1395).

¹ Amine

² . Multidimensional Scale of Perceived Social Support (MSPSS)

³ Williams

⁴ balance

برای توصیف رضایت زناشویی از اصطلاحات متعددی مانند سازگاری^۱، سازش^۲، خشنودی^۳، موفقیت^۴ و کیفیت زندگی استفاده شده است. معمولاً کیفیت، سازگاری و رضایت به جای هم به کار برده می شود (وایت، استامن و فارو^۵، 1994؛ به نقل از تمیمیان و طالب زاده شوستری، 1394). رضایت زناشویی به عنوان خشنودی و خرسندی و سازگاری در رابطه زوجی (گاگنون و همکاران، 1997؛ به نقل از بشارت، هوشمند، رضازاده، لواسانی، 1394) و پاسخ عاطفی ناشی از ارزیابی ذهنی از جنبه های مثبت و منفی رابطه فرد به طور کلی (گاداسی و همکاران، 2016؛ به نقل از فرجی پاک، 1396).

نظریه های رضایت زناشویی

نظریه رفتاری^۶

تمرکز اصلی این رویکرد بر مبادله بین فردی رفتارهای خاص است. نقطه قوت این نظریه این است که سازوکارهایی را پیشنهاد می کند که چگونگی تغییر قضاوت های افراد از رضایت زناشویی به مرور زمان را شرح می دهد. زوجین مخصوصاً بر اساس تعاملاتشان و تمجیدهایی که به دنبال آن ها می آید به فهم پاسخ این سوال میرسند که آیا رابطه آن ها پاداش دهنده است یا خیر (برادبوری و فینچام، 1990؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1396).

نظریه شناختی^۷

مطابق با نظریه شناختی هر کدام از زوجین مجموعه ای از باورهای اساسی درباره روابط صمیمانه دارند که آن را در روابط زناشویی به اشتراک می گذارند. بر این اساس رفتار زن و شوهر از رفتار طرف مقابل احساسات بیشتری از خود فرد به همراه دارد، زیرا انسان به استنباط های خود حکم واقعیت یا حقیقت محض می دهد

¹ Compatibility

² Compromise

³ Pleased

⁴ Success

⁵ Wait & Stamen & Faroo

⁶ Behavioral Theory

⁷ Cognitive Theory

و به آن‌ها به عنوان مفروضه‌هایی که باید آزمون شوند نگاه نمی‌کنند. تاکید این رویکرد بر این است که زوج‌ها چگونه رفتارهای یکدیگر را تفسیر و ارزیابی می‌کنند، مطابق با محتوای شناختی خود به آن‌ها معنا می‌بخشند و چگونه رفتارهای همسر خود را پیش‌بینی می‌کنند (اپسایتین و شلزینگر، 1991؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1396).

نظریه سیستم‌ها¹

نظریه سیستم‌ها بیان می‌کند که یک رابطه زناشویی را می‌توان به عنوان سیستمی از نقش‌های متقابل و تعاملی و نقش‌های ارتباطی در نظر گرفت. لایه‌ی زیرین این سیستم درک رضایت از رابطه است که مشخص می‌کند سیستم قادر به حفظ خود و شکل کنونی‌اش هست یا نه. نظریه سیستم‌ها راهی برای نگرستن به دنیایی است که در آن افراد با یکدیگر روابط بین‌فردی دارند. نظریه سیستم‌ها اساس خوبی برای بررسی الگوهای فعالیت زوج‌ها و تاثیر آن بر رضایت زناشویی است (جانسون، 2005؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1396).

ب) اشتغال زنان

ارضای نیازهای جسمانی که از طریق کسب پول که در مقابل انجام کار حاصل می‌شود نمی‌تواند تنها علت لازم و کافی برای کار کردن محسوب گردد. ارضای نیازهای روانی و اجتماعی نیز تعیین‌کننده‌های مهم اشتغال و نوع آن به شمار می‌آیند. عاملی که موجب کار کردن می‌شود را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- کار کردن وسیله‌ای برای صرف انرژی در راه مطلوب است که باعث تعادل فیزیولوژیکی بدن می‌شود.
- کار کردن وسیله‌ای برای ایجاد روابط اجتماعی با دیگران است که از اصل نظریه ادلر سرچشمه می‌گیرد. او معتقد است کار کردن وسیله ایجاد رابطه با دیگران است. همچنین با توجه به عقیده گلاسر دوست داشتن و دوست داشته شدن یکی از نیازهای انسان است که با کار کردن این نیاز روانی برآورده می‌شود.
- از طریق کار کردن فرد خود را جزئی از جامعه محسوب می‌دارد.

¹ System theory

- از طریق کار کردن انسان ضمن مقایسه خودش با دیگران به ارزشیابی توانایی ها و مهارت ها و نیز کشف محدودیت های خود اقدام می نماید .

- کار کردن نشانه ای از بلوغ و بزرگسالی است (شفیع آبادی، 1375).

ج) حمایت اجتماعی

در پژوهش های مربوط به حوزه اجتماعی ، این مفهوم در ابتدا بر اساس تعداد دوستان و افرادی که از فرد حمایت می کردند تعریف می شد اما به مرور زمان تعریف حمایت اجتماعی گسترش یافت و میزان رضایتی که فرد از این حمایت دریافت می کرد را نیز در بر گرفت (کوئتسی ، 2007؛ به نقل از آرامی و خجسته مهر، 1393). حمایت اجتماعی عبارت است از ادراک فرد از این که مورد توجه و علاقه ی دیگران بوده، از دیدگاه آنان فرد ارزشمند است، چنانچه دچار مشکل و ناراحتی شود سایر افراد موثر در زندگی اش (مثل دوستان ، برادر و همکاران) به او یاری خواهند رساند. بر طبق این تعریف حمایت اجتماعی مفهومی است که به دامنه ی ارتباطات متقابل بین فردی توجه دارد و هرچه میزان مبادلات بین فردی بیشتر باشد ، حمایت اجتماعی که فرد دریافت می کند بیشتر خواهد بود (آرامی ، 1393) .

اعتقاد بر این است که حمایت اجتماعی از سه طریق در برخورد با رویداد های فشار زا کمک می کند . اولاً اعضای خانواده ، دوستان و سایر افراد می توانند مستقیماً حمایت ملموسی به شکل منابع مادی در اختیار فرد قرار دهند. ثانیاً اعضای شبکه اجتماعی فرد می توانند با ارائه پیشنهادات وی را از حمایت اطلاعاتی برخوردار سازند و این اقدامات متنوع می تواند به حل مشکلاتی که موجب فشار شده کمک کند. این پیشنهادات به فرد کمک خواهد کرد تا به مشکل از دیدگاه جدید نگاه کند، بدین ترتیب آن را حل کرده یا آسیب ناشی از آن را به حداقل می رساند. ثالثاً افراد شبکه اجتماعی می توانند با اطمینان بخشی دوباره به فرد در خصوص این که مورد علاقه، با ارزش و محترم است از وی حمایت عاطفی به عمل آورند و نهایتاً موجب افزایش عزت نفس و خودپنداره در او شوند . همچنین حمایت از خانواده احساس تنهایی و افسردگی را کاهش داده و منجر به خود مراقبتی موثر در آن ها می شود (منوچهری، حیدری و قدوسی بروجنی ، 1392 ؛ به نقل از آرامی ، 1393).

با استناد به تعاریف ارائه شده حمایت مذکور در تحقیق حاضر مشتمل بر دو بعد کلی است: 1. حمایت عاطفی شامل آن دسته از رفتارها یا نگرشهای اعضای خانواده است که فرد شاغل را با تشویق، درک، توجه، نگاه مثبت و راهنمایی برای حل مشکل و قوت قلب دادن همراه می کند، تا اینکه احساس کند انسان ارزشمندی است و مورد توجه قرار گرفته است. 2. حمایت ابزاری شامل آن دسته از رفتارها یا نگرشهای اعضای خانواده است که متوجه تسهیل روز به روز اداره امور خانواده یا خانه می باشد. (تیلور¹ و همکاران، 2004؛ به نقل از نبوی و شهریاری، 1391).

د) ادراک انصاف

نظریه انصاف یک مفهوم پردازی است که بر علل و پیامدهای ادراکات مردم از انصاف و بی انصافی در روابط خود با دیگران تمرکز دارد. این نظریه بر خاسته از اصول اقتصادی است. انصاف بدین خاطر دارای اهمیت است که بسیاری از ابعاد رابطه را تحت تأثیر قرار میدهد. در نهایت ادراکات افراد پیرامون انصاف و میزان عمل متقابل فرد مقابل، ارتباطات، احساسات، تصمیمات و فعالیتهای 6 افراد را نسبت به طرف مقابلشان شکل میدهد (ادمز،² 1965، اسپرچر و شوارتز³، 1994؛ به نقل از خجسته مهر و شکرکن، 1393). به عنوان مثال، فردی که در یک رابطه زناشویی، همسری که حالت بی انصافی را تجربه میکند ممکن است احساس کند که مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا همسر او منفعت بیشتری از رابطه برده است. این مسئله ممکن است بر نحوه رفتار او با شوهرش در خانه، انتظار او از آینده روابطشان، تعهد و صمیمت رابطه زناشویی اثر گذاشته و در نهایت وی را به انحلال رابطه زناشویی سوق دهد. برعکس فردی که در یک رابطه زناشویی حالت انصاف را تجربه میکند ممکن است احساس رضایت و تعهد زناشویی بیشتری را تجربه کند (خجسته مهر، شکرکن، 1393). بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه بدانیم که زمانی بدست

¹ Tailor

² Adams

³ Sprecher And Schwartz

می آید که برای شرکت کنندگان در یک تعامل یا سازمان مشترک نتایجی مناسب با درون داده‌هایشان اختصاص یابد (فرامرزی، 1388).

پیشینه تجربی تحقیق

پژوهش‌هایی که تا کنون در مورد رضایت زناشویی زنان شاغل، ادراک انصاف و به خصوص حمایت اجتماعی انجام گرفته ، اغلب این موضوعات را بصورت مجزا بررسی کرده اند و مطالعات کمی به دنبال ادغام این موضوعات با بکدیگر بوده اند . بنابراین پژوهش‌هایی که در این بخش آورده شده است، مربوط ترین مطالعاتی بود که در 20 سال اخیر صورت گرفته بود.

در سال های اخیر، اشتغال زنان تغییرات زیادی را در ساخت خانواده چه از نظر فرهنگی و اجتماعی و چه از نظر اقتصادی ایجاد کرده است. مخالفان با اشتغال زنان در بیرون از منزل معتقدند که اشتغال زن مانع از ایفای درست و به موقع دو نقش اصلی و اساسی او یعنی مادری و همسری می گردد (شفیع آبادی ، 1387). استرس شغلی از مولفه های اصلی اشتغال محسوب می شود که می تواند تعارض های جدی در خانواده ایجاد کند. برخی از یافته های پژوهشی نشان می دهد که بین استرس شغلی زنان و رضایت زناشویی آنان رابطه مستقیمی وجود دارد ؛ به نحوی که هرچه استرس شغلی آن ها بیشتر باشد ، از رضایت زناشویی آن ها کاسته می شود (محمدی و مقصودی ، 1390). پژوهش کاسک و ازکی (1998) مبین این موضوع است که استرس شغلی¹ با کاهش رضایت شغلی و زناشویی همراه است . استرس شغلی با پیامد های منفی از جمله افزایش خطر هایی برای سلامت والدین شاغل ، انجام ضعیف وظایف والدینی و همسری ، بدخلقی² ، کاهش رضایت از زندگی و سلامت روانی پایین همبسته است (داکسبری و هیگان³ به نقل از رستگار خالد ، 1385). اشتغال زنان در کنار اشتغال مردان دارای ابعاد منفی دیگر نیز می باشد . اشکال در ایفای نقش های خود در منزل ، خصوصا در مواردی که مردان خود را موظف به انجام کار های منزل نمی دانند ، باعث افزایش مشاخره ها می

¹ Job stress

² grouch

³ Duxbury & Higgins

شود. انتقال خستگی ناشی از شغل به خانه و عدم آمادگی برای برآوردن نیازهای عاطفی و روانی خانواده، عدم نظارت مستقیم بر فرزندان، کم میلی به بچه دار شدن و اکتفا به فرزند کمتر و گاهی استقلال مالی که باعث سستی روابط زناشویی می شود، می تواند از دیگر پیامدهای منفی اشتغال زنان قلمداد شود (لطفی و شعبانی، 1395).

دست دیگر از پژوهش ها نیز به پیامدهای مثبت اشتغال زنان اشاره دارند. اگرچه برخی مطالعات انجام گرفته در خصوص رابطه اشتغال زنان با میزان رضایت زناشویی آن ها، نوع شغل زنان را نیز متغیر مهم و موثری میداند (روحانی و ابوطالبی، 1388؛ خسروی و خاقانی، 1386؛ بابایی گیوی، نظری و محسن زاده 1395)، اما مطالعات بسیاری وجود دارد که نشان می دهند اشتغال زنان به طور کلی پیامدهای مثبت فراوانی به دنبال خواهد داشت. از مهم ترین پیامدهای مثبت اشتغال زنان، تاثیر آن بر قدرت تصمیم گیری¹ زن و هرم تصمیم گیری² در خانواده است (باقری، قاسمی و شریفیان، 1388). برخی دیگر از پژوهش ها نشان می دهد که زنان شاغل افزون بر داشتن نمرات بالاتر در زیرمقیاس های کیفیت زندگی، از شانس بیشتری برای داشتن کیفیت زندگی بالاتر برخوردارند (هاشمی، کیخا و همکاران، 1392؛ زنجانی و بیات 1389).

با اینکه افزایش نقش ها و در نتیجه ی آن افزایش مسئولیت و انتظارات ناشی از اشتغال برای زنان آسیب های روحی و جسمی در پی داشته و به دنبال آن می تواند به کاهش رضایتمندی از زندگی بینجامد اما شواهد بدست آمده از مطالعات مبنی بر بالا بودن کیفیت زندگی شاغلان، حاکی از آن است که شاید ابعاد دیگر اشتغال مانده نوع شغل (زنجانی، باقیات اصفهانی، 1392) برخورداری از استقلال مالی، به دست آوردن هویت مستقل اجتماعی³ و در نتیجه ی آن اعتماد به نفس و حمایت اجتماعی بتواند توجیه کننده بالاتر بودن کیفیت زندگی زنان شاغل نسبت به خانه دار باشد. از این رو در ادامه به برخی تحقیقات از این دست اشاره می شود. خسروی و خاقانی فرد (1386) در پژوهش خود با عنوان " بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش های مدیریتی، کارشناسی، و خدماتی مراکز غیر دولتی شهر تهران " به این نتیجه

¹ Decision-making power

² Pyramid Decision Making

³ Independent social identity

رسیدند که گروه مدیران و پژوهشگران در مقایسه با گروه کارشناسان و خدماتی، حالات هیجانی مثبت بیشتر و رضایت از زندگی بالاتری را نشان دادند و گروه خدماتی در مقایسه با دو گروه دیگر، مشکلات روان شناختی بیشتر و حالات هیجانی منفی تری را تجربه کردند. بابایی گیوی، نظری و محسن زاده (1395)، در پژوهش خود با عنوان " بررسی مقایسه ای بهزیستی روان شناختی و دل زدگی زناشویی و ابعاد آنها در زنان شاغل و غیرشاغل " به این نتیجه رسیدند که اگر شغل دارای ویژگی های منفی مثل ساعات کاری طولانی و استرس و فشار کاری زیاد نباشد، تاثرات مثبتی بر بهزیستی روان شناختی زنان دارد، همچنین اشتغال باعث خستگی و دلزدگی زناشویی بیشتر در زنان نمی شود. ماکیکو هوری (2017) در پژوهشی با عنوان " اشتغال تمام وقت و رضایت زناشویی زنان در جوامع شرقی آسیا " نشان می دهند که زنان خانه دار تمام وقت نسبت به زنان شاغل تمام وقت در تایوان راضی تر هستند، در حالی که زنانی که در چین نیمه وقت مشغول به کار هستند، از زنان مشغول به کار تمام وقت کمتر راضی هستند. رضایت زناشویی همسران با نگرش نقش جنسیتی، شرکت در کارهای خانگی همسر و تعداد اعضای خانواده در ژاپن و کره جنوبی همراه است. رابطه میان اشتغال زنان و رضایت زناشویی آنها حتی در میان چهار کشور آسیای شرقی، جایی که تفاوت جنسیتی نسبتاً مشابه است، متفاوت است. بوث و وان ارس¹ (2009) در پژوهش خود با عنوان " ساعت کار² و هویت جنسیتی³: آیا کار نیمه وقت خانواده را شادتر می کند؟ " نتیجه می گیرند زنان با ساعات کاری نیمه وقت بیشتر از زنان شاغل با کار تمام وقت راضی هستند این شرایط به خصوص در شرایطی که همسرشان به طور تمام وقت کار می کنند رضایت زندگی زنان افزایش می یابد. رضایت زناشویی مردان متأثر از ساعت کاری همسرانشان نیست، اما اگر آنها خودشان تمام وقت کار می کنند، رضایتشان افزایش می یابد. نتایج ما مطابق با فرضیه هویت جنسی است.

دسته دیگر مطالعات به مقایسه زنان شاغل و غیرشاغل در یک یا چند متغیر خاص پرداخته اند. نتایج برخی از این پژوهش ها حاکی از آن است که زنان شاغل و غیر شاغل در مواردی تفاوت معناداری دارند در حالی که

¹ Booth & Van ours

² working hours

³ Gender Identity

برخی دیگر از پژوهش‌ها تفاوت معناداری را بین زنان شاغل و غیر شاغل نشان نمی‌دهند. فرجی پاک (1396) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان "مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل: یک پژوهش فراتحلیل" به بررسی و مقایسه پژوهش‌های صورت گرفته در مورد رضایت زناشویی پرداخت و به این نتیجه رسید که اشتغال زنان در رضایت زناشویی تاثیر مثبت معناداری دارد. احمدی و سوخته نژاد (1394) ابعاد کیفیت زندگی بین زنان شاغل و زنان خانه دار را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که بین وضعیت اشتغال زنان و کیفیت زندگی آنها (شاغل و خانه دار) رابطه وجود دارد. لطفی و شعبانی (1395) در مطالعه خود درباره مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان شاغل و غیر شاغل، به مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل پرداختند. این پژوهش که به روش علی مقایسه‌ای (پس رویدادی) انجام گرفت، نشان می‌دهد اشتیاق به تجارب تازه و توافق‌پذیری در زنان شاغل از زنان غیرشاغل بیشتر بوده و در زمینه‌ی رضایت زناشویی مولفه مدیریت مالی و اقوام و دوستان در زنان شاغل از زنان غیر شاغل بالاتر بوده است. بنابراین پژوهشگران نتیجه گرفتند که اشتغال زنان با وجود ایجاد تعارضات مختلف برای خانواده‌ها باعث آسیب به خانواده‌ها نمی‌شود. پژوهش اقدامی و حسین چاری (1387) که به بررسی تاثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی پرداخت، بیان می‌دارد که دشواری کار زنان شاغل پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی نیست اما همکاری مردان در امور خانه به طور مثبت پیش‌بینی‌کننده رضایت از روابط زناشویی است. زنجانی و باقیات اصفهانی (1392) در مطالعه خود درباره تاثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی نشان دادند که بین میزان همکاری همسر و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که وقتی همسر فرد با او همکاری بیشتری دارد میزان رضایت زنان از زندگی بیشتر می‌شود. سلطانی، نقوی و فاتحی زاده (1389) در پژوهش خود با عنوان بررسی میزان شیوع تعارض کار-خانواده و خانواده-کار و ارتباط آن با متغیرهای رضایت زناشویی و شغلی در بین زنان یافتند که حدود 42/7 درصد از زنان شاغل اصفهان تعارض کار-خانواده¹ و 47/7 درصد تعارض خانواده-کار² را تجربه کرده‌اند. هر دو نوع تعارض کار-خانواده با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. با توجه به میزان نسبتا

¹ Work-family conflict

² Family-work conflict

بالای تعارض کار-خانواده در زنان شاغل و تاثیر این امر بر رضایت شغلی و زناشویی لازم است سازمان ها توجه بیشتری به این موضوع داشته و راه کارهایی جهت کاهش آن ایجاد کنند .

سروستانی (1391) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه تعارض کار-خانواده و خانواده-کار و خود کارآمدی تعارض کار-خانواده و خانواده-کار با رضایت زناشویی در پرستاران زن متاهل بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور شهر اهواز دریافت که : (1) بین تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد ، (2) بین تعارض خانواده-کار و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد ، (3) بین خودکارآمدی تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد ، (4) بین خودکارآمدی تعارض خانواده-کار و رضایت زناشویی ، رابطه مثبت وجود دارد و (5) تعارض کار-خانواده ، خانواده-کار و خودکارآمدی تعارض کار-خانواده ، خودکارآمدی تعارض خانواده-کار می توانند پیش بینی کننده های رضایت زناشویی باشند . یعنی تعارض کار-خانواده و خانواده-کار بصورت منفی و خودکارآمدی تعارض کار-خانواده و خانواده-کار بصورت مثبت پیش بینی کننده رضایت زناشویی هستند . آرامی (1393) در پژوهش خود با موضوع رابطه ساده و تعدیل گر تعارض کار-خانواده و حمایت اجتماعی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شاغل در ادارات دولتی شهر اهواز و با هدف کلی پاسخ به این سوال اساسی که آیا حمایت اجتماعی رابطه تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی را در زنان شاغل تعدیل میکند ؟ به این نتیجه دست یافت که بین حمایت اجتماعی و رضایت زناشویی زنان رابطه مثبت و بین تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد . همچنین پژوهش او نقش تعدیل گر حمایت اجتماعی در رابطه منفی تعارض کار-خانواده و رضایت زناشویی را تایید کرد . رفیعی ، تونزنده جانی و آهویی (1395) در پژوهشی با عنوان رابطه سبک زندگی و حمایت اجتماعی با رضایت زناشویی سالمندان با مطالعه 381 نفر از سالمندان، نشان دادند که سبک زندگی و حمایت اجتماعی پیش بینی کننده رضایت زناشویی است و همچنین سبک زندگی و حمایت اجتماعی رابطه معناداری با رضایت زناشویی دارد. ساچت و بارلینگ¹ (1986) از مطالعه 64 مادر شاغل با میانگین سنی 36 سال متوجه شدند که حمایت همسر پیش بینی کننده سطوح بالای رضایت زناشویی است. افزون بر آن، حمایت همسر تعدیل

¹ Suchet ,M. Barling

کننده اثرات منفی تعارض بین نقش هاست. روزنهام و کوهن^۱ (1999) از مطالعه 14 مادر 23 تا 40ساله که به صورت تمام وقت به کار مشغول بودند متوجه شدند زنانی که حداقل یک منبع حمایتی دارند کمتر از زنانی که هیچ نوع منبع حمایتی ندارند دچار ناراحتی می شوند. اشتنبرگ و همکارانش^۲ (2011) در مطالعه خود درباره ی حجم کار^۳ و تغییرات رضایت زناشویی^۴ در زوج های تازه ازدواج کرده: رضایت شغلی، جنسیت، و وضعیت والدبودگی^۵ در نقش تعدیل کننده بیان کردند که " به طور کلی، استرس برای رابطه بد است. با این حال، استرس شغلی همیشه با پیامدهای منفی در رابطه زوجی همراه نیست. فرض مطالعه حاضر این بود که همبستگی بین حجم کار و تغییرات رضایت زناشویی، وابسته به شرایطی است که توانایی طرفین برای ایجاد تعادل بین نقش های مختلف خود را تسهیل یا محدود می کنند. ما این فرضیه را مطرح کردیم که (1) میزان علاقه طرفین به کارشان، (2) وضعیت والدبودگی آنها، و (3) جنسیت آنها خواهند توانست کوواریانس بین تغییرات حجم کاری و رضایت زناشویی در گذر زمان را تعدیل کند. طی چهار سال، هشت سری داده از 169 زوج تازه ازدواج کرده در در مورد حجم کار، رضایت شغلی، و رضایت زناشویی جمع آوری شد. تحلیل این داده ها، پیش بینی های ما را تایید کرد. تحلیل در سطح زوجها نشان داد که برای زوج هایی که رضایت شغلی بیشتری داشتند، میزان مطالبه های شغل با رضایت زناشویی کوواریانس مثبت داشت. در زوج های غیروالد، افزایش حجم کار شوهر با افزایش رضایت زناشویی هم شوهر و هم همسر همراه بود. اما در زوج های والد، افزایش حجم کار شوهر با کاهش رضایت زناشویی هر دو طرف همراه می شد. در زوج های والد، افزایش حجم کار زن به شکل غیر منتظره ای با افزایش رضایت زناشویی همراه بود. سرانجام این که همانطور که پیش بینی می شد، زنان بیشتر تحت تاثیر افزایش حجم کاری مردانشان قرار می گرفتند تا حالت برعکس آن. بنابراین، تنش بین کار و رابطه زناشویی قابل جلوگیری نیست؛ اما وابسته به شرایطی است که باعث می شوند

¹ Rosenbum, M & Cohen,

² Steenbergen

³ Workload

⁴ trajectories of marital satisfaction

⁵ Parental

عملکرد طرفین در نقش‌های مختلفشان دچار مشکل شده یا تسهیل شود. به همین دلیل زوج‌ها، کارفرمایان، و متخصصان باید به نقشی که شرایط بیرونی بر تعامل کار و زندگی زناشویی دارد، دقت داشته باشند " .

روش

الف) طرح پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش کمی^۱ از نوع علی مقایسه‌ای^۲ است. در این روش پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته^۳ به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. این روش تحقیق گذشته‌نگر بوده و سعی بر آن دارد که از معلول به علت^۴ احتمالی پی ببرد.

ب) جامعه آماری، نمونه، روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر زنان غیر شاغل و زنان شاغل کارمند (با ساعات کار غیر انعطاف‌پذیر) معلم (با ساعات کار انعطاف‌پذیر) و استاد و پزشک (با ویژگی ساعات کاری انعطاف‌پذیر و درآمد بالا) و زنان غیر شاغل شهر اهواز هستند. برای گروه‌های شاغل و غیر شاغل هر کدام 100 نفر به صورت داوطلب انتخاب خواهند شد.

ج) روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان شاغل و غیر شاغل ساکن شهر اهواز در سال 1398 است که تعداد 400 نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب خواهند شد. ملاک نمونه‌گیری از زنان شاغل انعطاف‌پذیری ساعات شغلی آن‌ها است. ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری ساعات کاری زنان می‌تواند بر رضایت زناشویی آن‌ها موثر باشد (بوث و اون، 2017؛ بابایی گیوی، نظری و محسن زاده، 1395؛

¹ Quantitative research

² Comparative research

³ Dependent variable

⁴ Cause

موسوی، 1385). با مراجعه به ادارات دولتی شهر اهواز، بیمارستان ها، مدارس و دانشگاه ها نمونه زنان متاهل شاغل و مراجعه به مکان هایی مانده مدارس، پارک ها و سایر مکان های عمومی نمونه زنان متاهل غیرشاغل انتخاب خواهند شد. تلاش پژوهشگر این است که افرادی انتخاب شوند که ملاک های ورودی زیر را دارا باشند: گذشتن حداقل 5 و حداکثر 30 سال از ازدواج، داشتن حداقل یک فرزند، دامنه سنی 20 تا 50 سال، داشتن حداقل دیپلم و حداکثر دکتری تخصصی و تمایل به شرکت در پژوهش. در توضیح این ملاک های ورودی میتوان گفت که از متغیر های اثرگذار بر انصاف، مدت دوام رابطه و نوع رابطه است. مطالعات نشان می دهد که ادراک انصاف در زوجین در چرخه زندگی خانواده متفاوت است. شافر و کیت (1980) نیز در پژوهش خود مشخص ساختند افراد متاهلی که در چرخه زندگی، در مرحله داشتن فرزند خردسال هستند، با افراد متاهلی که در چرخه زندگی، در مرحله آشیانه خالی هستند، از لحاظ ادراک انصاف متفاوت اند (خجسته مهر، عباسپور و دانیالی، 1396). در خصوص انصاف در تقسیم کار های خانه مانده کارمنزل و مراقبت و تربیت فرزندان مطالعات فراوانی صورت گرفته است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد زنان شغل نیمه وقت و تمام وقت دارند، تقریباً همه یا بیشتر مسئولیت های خانه را به عهده دارند (از جمله دون، 2000؛ کولترن، 2000). براساس شواهد فوق زنان ممکن است در خصوص کارهای منزل و تربیت فرزندان احساس بی انصافی کنند (خجسته مهر، عباسپور و دانیالی، 1396 به اعتقاد نظری (1389) عواملی از جمله سن، تحصیلات، فرزندان، طول مدت ازدواج، همکاری و تفاهم همسر، اعتقادات مذهبی، مسائل مالی و اقتصادی با رضایت زناشویی ارتباط دارند. از شرکت کنندگان خواسته خواهد شد در صورت تمایل و رضایت خود اقدام به پر کردن پرسشنامه ها کنند. پیش از تکمیل پرسشنامه ها، درمورد اهداف پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات آن ها و اینکه پاسخ صحیح و غلط در این پژوهش وجود ندارد، اطلاعاتی به شرکت کنندگان داده خواهد شد. چنانچه فرد تمایل به همکاری نداشته باشد یا به پرسشنامه ها به طور کامل جواب ندهد از گروه نمونه حذف خواهد شد. شرکت کنندگان می توانند در صورت تمایل به اطلاع از عملکرد خود در تست ها، با نوشتن اسم مستعار یا کد مشخصی در پرسشنامه خود، از طریق ایمیل اطلاعات لازم را از پژوهشگر دریافت کنند.

ابزار گردآوری داده ها

در این پژوهش از 4 مقیاس استفاده خواهد شد. در ادامه توضیحاتی درباره‌ی هر یک ارائه می‌شود.

مقیاس ارزیابی رابطه

این مقیاس که توسط هندریک، دایک و هندریک¹ (1998؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1396) ساخته شد، سنجه ای 7 ماده ای است که رضایت مندی زناشویی را در مقیاس لیکرت 5 درجه ای از 1 (کمترین میزان رضایت) تا 5 (میزان رضایت) نمره گذاری می‌کند. این مقیاس میزان رضایت کلی فرد از رابطه، اینکه شریک و همسر او چگونه به نیاز هایش توجه می‌کند، این که کیفیت رابطه او در مقایسه با روابط دیگران چگونه است، روابط به چه میزان دچار مشکل است و نیز میزان پشیمانی فرد از رابطه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره ی بالاتر نشان دهنده رضایت بیشتر از رابطه است. هندریک و همکاران (1998؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1396) پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ 0/89 و به روش بازآزمایی 0/85 گزارش کردند. برای بررسی های مقدماتی ویژگی های روان سنجی فرم فارسی این مقیاس در نمونه ای از جمعیت والدین دانش آموزان دبیرستانی ضریب پایایی با استفاده روش دو نیمه سازی و همسانی درونی به ترتیب 0/94 و 0/95 به دست آمد. همچنین به منظور بررسی روایی سازه ای این مقیاس از پرسشنامه ی کیفیت زناشویی (MQI) استفاده گردید و میزان همبستگی آن با پرسشنامه کیفیت زناشویی 0/88 محاسبه شد که این مقدار در سطح ($p < 0.001$) معنادار است. پایایی به دست آمده به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در پژوهش حاضر 0/92 محاسبه شد (خجسته مهر و همکاران، 1391).

مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS)²

بشارت، لشگری و رضازاده (1393) گزارش کردند که این مقیاس یک ابزار 12 گویه ای است و حمایت اجتماعی را از سه منبع خانواده، اجتماع و دوستان در اندازه های 7 درجه ای از 1 (کاملاً موافقم) تا 7 (کاملاً

¹ Hendrik, Dyke & Hendrik

² Multidimensional Scale of Perceived Social Support (MSPSS)

مخالفم) می‌سنجد(زیمت^۱، دالم^۲، زیمت و فارلی^۳، 1988). حداقل و حداکثر نمره فرد در کل مقیاس به ترتیب 12 و 84؛ و در هر یک از زیر مقیاس های حمایت خانوادگی، اجتماعی و دوستان به ترتیب 4 و 28 محاسبه می‌شود. نمره بالاتر نشان دهنده حمایت اجتماعی ادراک شده بیشتر است. ویژگی های روان سنجی مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده در پژوهش های خارجی مورد تایید قرار گرفته است(استنلی، بک و زب^۴، 1998؛ براور، امسلی، کید، لانچر و سیدات^۵، 2008؛ چو^۶، 2000؛ دالم، زیمت و والکر^۷، 1991؛ زیمت^۸ و همکاران، 1988). در بررسی مقدماتی ویژگی های روان سنجی این مقیاس در نمونه هایی از دانشجویان و جمعیت عمومی ایران (n=742؛ 311 دانشجو، 431 عمومی) ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و گویه های سه زیر مقیاس حمایت اجتماعی خانوادگی، اجتماعی و دوستان به ترتیب 0/91، 0/87، 0/83 و 0/89 محاسبه شد. این ضرایب همسانی درونی مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده را تایید می‌کند (بشارت، 1386).

مقیاس ادراک انصاف

این سنجه توسط پری (2004؛ به نقل از خجسته مهر و همکاران، 1391) تهیه شده است. در این پرسشنامه عدالت به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است و شامل چهار سوال است که ادراک انصاف را در 4 حیطه عدالت در انجام کارها خانه، عدالت در کار کردن برای کسب درآمد، عدالت در خرج کردن پول و عدالت در نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سوالات این مقیاس به صورت طیف لیکرت به ترتیب از 1 (بسیار نا عادلانه از نظر من)، 2 (بسیار نا عادلانه از نظر همسرم)، 3 (تا حدی عادلانه از نظر من)، 4 (تا حدی نا عادلانه از نظر همسرم) و 5 (بسیار نا عادلانه از نظر همسرم) نمره گذاری می‌شود. (خجسته

¹ Zimet

² Dahlem,

³ Farley

⁴ Stanley., Beck, & Zebb,

⁵ Bruwer, Emsley., Kidd, Lochner, &

Seedat,

⁶ Chou

⁷ Dhalem, Zimet, & Walker

⁸ Zimet

مهر و همکاران، 1396). پری (2004) در بررسی خود پایایی این سنجه را با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) 0/55 گزارش کرده است . جعفری نژاد و همکاران (1391) نیز پایایی این سنجه را با آلفای کرونباخ 0/8 ، با استفاده از روش تصنیف 0/82 و اعتبار سازه ای آن را با استفاده از مقیاس رضایت زناشویی انریچ در سطح معناداری $p < 0/001$ به میزان 0/66 گزارش کرده است .

پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته

اطلاعات جمعیت شناختی پرسشنامه محقق ساخته متشکل از 6 پرسش است. این ماده‌ها شامل: سن، شغل، مدت زمان ازدواج ، شغل همسر، تعداد فرزندان و سابقه شغلی پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌ها است .

ه) روش تجزیه و تحلیل داده ها

روش های آماری توصیفی و استنباطی که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار خواهند گرفت به شرح زیر است :

1. روش های آمار توصیفی شامل میانگین ، انحراف معیار و حداقل و حداکثر نمره .
2. تحلیل واریانس یک راهه¹ برای بررسی تفاوت رضایت مندی زنان شاغل و غیر شاغل
5. تحلیل کوریانس² برای بررسی متغیر کنترل .

¹ Anova

² Ancova

منابع فارسی

احدی، بتول؛ نریمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، عباس؛ آسیایی، محمد. (1388). بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی زنان شاغل. مطالعات تربیتی و روان شناسی. دوره 10، شماره 1، ص 117-127.

آرامی، شهناز. (1393). رابطه ساده و تعدیل گر تعارض کار-خانواده و حمایت اجتماعی با رضایت زناشویی در زنان متاهل شاغل در ادارات دولتی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.

آرامی، شهناز؛ خجسته مهر، رضا. (1395). بررسی رابطه ساده و تعدیلگر تعارض نقش و حمایت اجتماعی با رضایت زناشویی در زنان متاهل و شاغل در ادارات دولتی شهر اهواز. چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

افشاری، زینب و موتابی، فرشته. (1394). نقش واسطه ای روان سازه های ناسازگارانه اولیه در رابطه بین سبک های دلبستگی و رضایت زناشویی. روان شناسی خانواده. دوره 2، شماره 1، ص 59-70.

بابایی گیوی، رضا؛ نظری، علی محمد، محسن زاده، فرشاد. (1395). بررسی مقایسه ای بهزیستی روان شناختی و دل زندگی زناشویی و ابعاد آن ها در زنان شاغل و غیر شاغل. فصلنامه زن و جامعه، سال هفتم، شماره یکم.

بشارت، محمدعلی؛ هوشمند، سیده نعیمه؛ رضازاده، سید محمدرضا و غلامعلی لواسانی، مسعود. (1394). نقش تعدیل کننده ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی در رابطه ی بین سبک های فرزندپروری والدین و رضایت زناشویی فرزندان. روان شناسی خانواده. دوره 2(1)، 15-28.

تمیمیان، مریم و طالب زاده شوشتری، مرضیه. (1394). بررسی رابطه بین رضایت زناشویی با سلامت روان در کارکنان زن متاهل شاغل در ادارات دولتی شهر اهواز. سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی.

جعفری نژاد، لیلیا؛ خجسته مهر، رضا؛ رجبی، غلامرضا (1391). اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی گری ادراک انصاف (عدالت). مجله دست آورد های روان شناختی ، دوره 4 ، شماره 2، ص 176-159 .

جمشیدی، محمدعلی؛ نوری پور لیاولی، رقیه؛ جان بزرگی، مسعود و فردین، محمدعلی. (1394). اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین مبتنی بر رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زنان. فصلنامه ی فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، دوره 10(31)، 7-35.

جهانگیر، پانته آ. (1391). مقایسه عملکرد خانواده و رضایتمندی زناشویی در زنان متأهل شاغل و غیرشاغل (خانه دار) شهر تهران . فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی. سال سوم ، شماره چهارم.

حمیدی، امید. (1396). بررسی تجربه زیسته رضایت زناشویی در زوجین با فرهنگ های متفاوت : یک مطالعه پدیدارشناسی .پایان نامه دکتری تخصصی ، دانشگاه شهید چمران.

خجسته مهر، رضا، عباسپور، ذبیح الله، دانیالی، زینب. (1396). نظریه ها و آزمون ها در روانشناسی خانواده و ازدواج. تهران: رشد

خجسته مهر، رضا، فرامرزی، سحر، رجبی، غلامرضا. (1391). بررسی نقش ادراک انصاف بر کیفیت زناشویی. فصلنامه مطالعات روان شناختی، دوره 8، شماره 1.

خجسته مهر، رضا؛ شکر کن، حسین. (1393). نظریه ی انصاف و نقد آن: گامی در توسعه ی روابط مطلوب در دنیای کار و روابط زناشویی در جامعه ی ایران . دوفصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی ، شماره 2، ص 63 تا 84 .

خسروی، زهره و خاقانی فرد، میترا. (1386). بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در بخش های مدیریتی ، کارشناسی ، و خدماتی مراکز غیر دولتی شهر تهران . فصلنامه مطالعات زنان ، سال 5 ، شماره 6. ص 27-44.

دهقانپور، ثنا. (1395). رابطه تعهد، ادراک انصاف و رضایت زناشویی با فداکاری در زنان متأهل شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.

رستگار خالد، امیر. (1385). زنان شاغل و بررسی تأثیر منابع کنترل فشار بر ترکیب نقش های شغلی - خانوادگی آنان. تاریخ. فصلنامه بانوان شیعه، شماره 8، ص 7-36

روحانی، عباس و ابوطالبی، حمیرا. (1388). رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان. فصلنامه تازه های روان شناسی صنعتی - سازمانی. سال نخست، شماره 1، ص 55-62.

زنجانی، حبیب الله و باقیات اصفهانی، زینب. (1392)، بررسی تاثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی (مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج). فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران. سال دهم، شماره سی و نهم.

زنجانی، حبیب اله و بیات، معصومه. (1389). بررسی نقش اشتغال بر کیفیت زندگی زنان شهر مشهد. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال دوم، شماره 2، ص 171-190.

سلطانی، مرضیه؛ اعظم، نقوی؛ مریم، فاتحی زاده. (1389). بررسی میزان شیوع تعارض کار-خانواده و خانواده-کار و ارتباط آن با متغیرهای رضایت زناشویی و شغلی در بین زنان. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، شماره 3، ص 79-100.

شفیع آبادی، عبدالله. (1375). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای. تهران: نشر رشد.

فرامرزی، سحر. (1388). بررسی نقش ادراک انصاف در کیفیت زناشویی در کارکنان متأهل شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

فرجی پاک، مهدی. (1396). مقایسه رضایت زناشویی زنان شاغل و غیر شاغل: یک پژوهش فراتحلیل. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.

عسگری، محمد و ترکاشوند، فاطمه. (1397). اثربخشی آموزش فنون مثبت نگری تلفیقی بر رضایت زناشویی زنان مراجعه کننده به مراکز درمانی. فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی. سال هشتم، شماره سی و یکم، ص 79 تا 92.

گلدنبرگ و گلدنبرگ. (1383). خانواده درمانی. (شاهی براواتی و ارجمند، مترجم). تهران: نشر روان

لطفی، معصومه و شعبانی، زهرا. (1395). مقایسه ویژگی های شخصیتی، خود کارآمدی و رضایت زناشویی در مردان و زنان شاغل. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان شناسی و مطالعات علوم اجتماعی استانبول، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

موسوی، اشرف السادات. (1385). مقایسه سویه های متفاوت رضامندی از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار. فصلنامه مطالعات زنان. سال 4، شماره 2. ص 71-88.

نبوی، سیدعبدالحسین و شهریاری، مرضیه. (1391). بررسی تأثیر محرک های تنش زا و حمایت اجتماعی در خانواده بر تعارض خانواده با کار (مورد مطالعه: زنان شاغل ادارات دولتی شهر اهواز). مجله جامعه شناسی ایران. دوره سیزده، شماره 2، ص 31-57.

منابع انگلیسی

- Beatty, Carol A. (1996). "The Stress of Managerial and Professional Women: Is the Price Too High?" *Journal of Organizational Behaviour* 17(3):233–251.
- Booth. A & Van ours .C . (2009) .Hours of Work and Gender Identity: Does Part-time Work Make the Family Happier? . *Economica* (2009) 76, 176–196.
- Dagleish, T. L., Johnson, S. M., Burgess Moser, M., Lafontaine, M. F., Wiebe, S. A., & Tasca, G. A. (2015). Predicting change in marital satisfaction throughout emotionally focused couple therapy. *Journal of marital and family therapy*, 41(3), 276-291 .

- Dehle, C. & Landers, J. E. (2005). You can't always get what you want, but can you get what you need? Personality traits and social support in marriage. *Journal of social and clinical Psychology*, 24(7), 1051-1076
- Iverson, Roderick D., and Catherine Maguire. (2000) . "The Relationship between Job and Life Satisfaction : Evidence from a Remote Mining Community." *Human Relations*. Department of Management Working Paper. 53(6):807–839.
- Larson, J. H., & Holman T. B. (1994). Predictors of marital quality and stability. *Family Relations*. 43, 228-237.
- Perry, B. J, (2004). The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African American and Caucasians. Unpublished Doctoral Dissertation, Ohio state University.
- Pluut, Helen, Iliès, Remus, Curşeu, Petru L, & Liu, Yukun. (2018). Social Support at Work and at Home: Dual-Buffering Effects in the Work-Family Conflict Process . Department of Business Studies, Leiden University
- Makiko Hori . (2017). Full-Time Employment and Marital Satisfaction among Women in East Asian Societies. *Comparative Sociology* 16 .771-787 .
- Steenbergen, E.F, Kluwer, E.S. & Karney, B R. (2011). Workload and the Trajectory of Marital Satisfaction in Newlyweds :Job Satisfaction , Gender, and Parental Status as Moderators . *Journal of Family Psychology*. Vol. 25, No. 3, 345-355 .
- Rosenbum, M & Cohen, E . (1999). Equalitarian marriages , spousal support , resourcefulness and psychological distress among Isareil working women. *Journal of vocational behavior* , 54 ,102-113
- Suchet ,M. Barling, J .(1986) .Employed mother : Inter role conflict , spouse support and marital functioning . *Journal of Occupational Behavior* .7 , 16718 .

Tai, L., & Baxter, Janeen. (2018). Perceptions of Fairness and Housework Disagreement : A Comparative Analysis. *Journal of Family Issues*, 1 –25